

جنگ تحمیلی ترکمن صحرا و کشتار رهبران خلق ترکمن بنی صدر "آزادیخواه" شریک و توجیه کننده جنگ و جنایت



● زندگی و مبارزات زنان ترکمن صحرا

زنان زحمتکش ترکمن صحرا همچون دیگر زنان زحمتکش ایران از محرومیت های بیشماری رنج می‌برند و تسلط فرهنگ طبقاتی که ویژگیهای نیمه ملی نه‌بندان افزوده می‌شود، آنها را فدایا روستایی را دوچندان می‌سازد. محرومترین زنان ترکمن، قالیبافان زحمت‌دیده‌ای - می‌باشند که از کودکی انگشتان کوچکشان به رنج کار زحمت آمیخته می‌شود. آنان دروان بیری، خمشده برادر قالی، در صورت ذره‌ای آسایش و رفاه، هنر خویش را بکار می‌گیرند تا برقالبهاش که برای استثمای رهبران می‌باشند، نقش ببندد. زنان ترکمن صحرا از طریق کار قالیبافی در اقلیمات فنی نقش قابل توجهی در اقتصاد آنها ایفا میکنند. از سرکارها تا شب هنگام، به بافتن قالی مشغولند و جز برای غذا خوردن، که غالباً قوت ناچیزی است، دست از کار نمی‌شویند. در روستاهای ترکمن صحرا برق نیست و زنان قالیباف در کارگاههای نیمه تاریک و مرطوب خانگی گاه هجده ساعت از روز را به قالیبافی مشغولند. وسیله روشنایی چراغ گردسوز است. به علت خم شدن بروی دار قالی (که در ترکمن صحرا به شکل افقی است) و کمبود نور، زنان قالیباف اکثراً به کمردرد و پشت درد مبتلا می‌شوند و به انواع بیماریهای دستپاچیان به زخم‌های این زحمت روزمره جریحه دار است. بکسی از زنان روستای کنکور که دستانش در حین کار مجروح شده بود پرسیدیم: به این سوال که برای درمان زخمش چه میکند، پاسخ داد: برای آنکه خونریزی مانعی برای ادامه کار نباشد، او را روی - بقیه در صفحه ۷

کاری بر بیکر آنان وارد می‌سازد. در این میان دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا پس از سالها محرومیت و تحمل زور و قلدری نتوانستند زمینهای خود را که توسط درباریان و سران ارتش غصب شده بود، مبادا در دست آنان همچنان بماند. برای مقابله با توطئه‌های زمینداران و عوامل سرما به داران و دنیای از دستاوردهای گرانقدر خویش با کمک نیروهای انقلابی به تشکیل شوراها و

پس از قیام شکوهمند بهمن ۵۷، بخشی از سرمایه‌داران وابسته و زمینداران بزرگ فرار کردند. عمده دیگر بگوشه‌ای خزیده و منتظر فرصت ماندند. این گروه وعوای منقلب زمینداران بزرگ و وابستگان به دربار پهلوی بزودی دریافتند که ترازه بقدرت رسیده‌ها نه تنها مفاصلی با مالکیت و استثمای زحمتکشان ندارند بلکه خود در جهت بازاری نظام سرمایه‌داری وابسته میکوشند و فقط حرکت مستقل توده‌هاست که ضربات

● توماج، مختوم واحدی، جرحانی، رمین و شورا



اولین سالروز شهادت چهار تن از بهترین فرزندان خلق، چهار ستاره سرخ مبارزات حق طلبانه دهقانان محروم و ستمدیده ترکمن صحرا برای کسب حقوق ملی خویش و نیز مبارزه علیه فئودالها فرامی‌رسد. بقیه در صفحه ۵

● گزارشی کوتاه از: شوراهای ترکمن صحرا

سرکوب و کشتار خلق ترکمن و ترور ۴ تن از رهبران شوراها و ترکمن صحرا سرآغاز زبورش وسیع حاکمیت جهت نابود کردن شوراها و روستایی ترکمن صحرا بود. شوراها و ترکمن صحرا بزرگترین سدی بودند در مقابل حفظ و حراست منافع زمینداران و ملاکین منطقه توسط رژیم جمهوری اسلامی قرارداد است حاکمیت جهت هرگونه اعمال قدرت در منطقه میبایست دست توده‌ها را از تصمیم گیری در مورد زندگی و سرنوشت خود کوتاه کند. حاکمیت جهت تامین زمین داران منطقه، میبایست شوراها و روستایی رانان را نابود کند و برای پیشبرد این منظور جنگ دوم ترکمن صحرا را سازمان دهد. این سرکوب و کشتار وحشیانه که با یورش به راهبیمانی خلق ترکمن در بزرگداشت سالروز رستاخیز سپاه گل آغاز گشت توسط هجوم دستگیری عناصر مترقی و نمایندگان انقلابی شوراها پی گرفته شد. بقیه در صفحه ۹

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش

جنگ تحمیلی ترکمن صحرا و ...

بقیه از صفحه ۱

اتحادیه های دهقانی مبارزت کردند. اما واضح بود که از یک طرف عوامل زمینداران، بیکار نخواهند نشست و در ثانی حاکمیتی که ادامه دهند، سیستم سرمایه داری وابسته بود نمیتوانست تا حدی که در زمینهای زمینداران بزرگ توسط شوراها دهقانی باشد. علاوه بر آن این امر نمیتوانست الگویی برای تشکیلات شوراها و دهقانی در سایر استانها بشود. از اینرو عوامل زمینداران بزرگ در منطقه لحظه ای از توطئه دست برنداشتند، ابتدا از مراجع تقلید فتوا گرفتند که در اسلام ممانعت نیست، بعد در بین مردم به اتفاق افکنشی برداخته و اختلافات فارس، ترکمن و بلوچ را دامن زدند و ... وقتی با هیچکدام از این توطئه ها نتوانستند به مقصد برسند توطئه جدیدی طرح ریزی کردند. آنها در "ترکمن" یک کمیته مخفی متشکل از وابستگان به دربار پهلوی، عوامل هژبریزدانی و "حجت الاسلام" (نام بنده) آیت الله شریعتمداری تشکیل داده و تعدادی مزدور جهالت حمله به ستاد شوراها و خلق ترکمن، یعنی قلب شوراها و ترکمن صحرا مسلح کردند. تمام این توطئه ها با موافقت کامل سپاه پاسداران صورت گرفت.

سرانجام دستهای این جنایتکاران قبل از برگزاری سالگرد ستاد خیز سپاه کل آزادستین بدو این کمیته چند روز قبل از ۱۹ بهمن طی اطلاعیه ای اعلام کرد که تعداد در روز ۲۰ بهمن شوراها را برچینید. از طرفی روز ۱۸ بهمن یعنی یکروز قبل از راهپیمایی سپاه پاسداران گنبدینا بدستور سپاه پاسداران مرکز اطلاعیه ای صادر کرد که طی آن مرکز را رکنندگان راهپیمایی ۱۹ بهمن را حاکمیتان امیرالایم و "سوسال امیرالایم" قلمداد کرده و انجام راهپیمایی را توطئه آمیز خواند. در حالیکه ستاد - شوراها برای این راهپیمایی از فرمانداری مجوز کسب کرده بود.

شب قبل از برگزاری مراسم راهپیمایی، پاسداران با بدستور مرکز چارتن از رهبران انقلابی و پایه گذاران شوراها و ترکمن صحرا را مهربا بند و پس از چند روز تا جوانمردانه به شهادت میرسانند. با این ترتیب کا ملاروشن است که سپاه پاسداران مرکز که مجری نجات حزب جمهوری اسلامی است با این اقدامات تصمیم داشت با نقشه قبلی کجای جمع کرد تا زراد گنبدینا تکرار کنند.

توطئه از حمله به راهپیمایی ۱۹ بهمن آغاز گردید. برای زمینه سازی یک کشش وسیع و قلع و قمع همه جانبه خلق ترکمن، سپاه پاسداران مرکز از



گوشه ای از مراسم راهپیمایی ۱۹ بهمن در سال ۱۳۵۸، گنبد

می آید گوشه ای از جنایات این سرکوبگران است:

کشتار رهبران شوراها و خلق ترکمن

پس از دستگیری چهار رهبر شوراها و ترکمن صحرا قفقاز: شهر محمد درخنده توماج، طواق محمد واحدی، عبدالحکیم مختوم و حسین جرجانی و انتقال آنها به تهران، مطابق گفته مسئولین سپاه پاسداران در تاریخ ۲۸/۱۱/۵۸ آنان را ظاهراً برای "تکمیل تحقیقات" از تهران به گنبدینا میگردانند. قابل توجه است که خلخال از ۲۳ بهمن برای محاکمه و نجات دستگیرشدگان به گنبد آمده بود و با بدرفقا را برای تعیین تکلیف نزد او برده باشند. فردای این روز - یعنی در ۲۹ بهمن ماه اجساد این رفقا در حالیکه از معاینه اجسادشان (که در پزشکی قانونی بجنورد بعمل آمده) مشخص است که تا جوانمردانه پس از شکنجه های بسیار اعدام شده اند، زیر پلی درجا ده گنبد - بجنورد پیدا میشود. خبر پیدا شدن اجساد را - روزنامه ها در ۱۴ سفند منتشر میکنند.

هر دو جناح حاکمیت ابتدا مهر سکوت بر لب زدند و پس از چند روز برای برده پوشی جنایت بزرگ خود داستان ساختند که هیچکس آنرا باور نکند. اختراع "گروه فدائیان ترکمن" و درگیری با سپاه پاسداران و زخمی کردن دو پادشاه گروگان گرفتار رهبران خلق ترکمن و سپس کشتن آنها آنقدر مسخره و ناشیانه سرهم بنده شده بود که بیش از پیش به رسوائی حاکمیت منجر شد. جالب است که بنی مذهب از پیدا شدن اجساد دهشتی را برپا ست ابوشریف رئیس سپاه پاسداران مامور بقیه در صفحه ۲

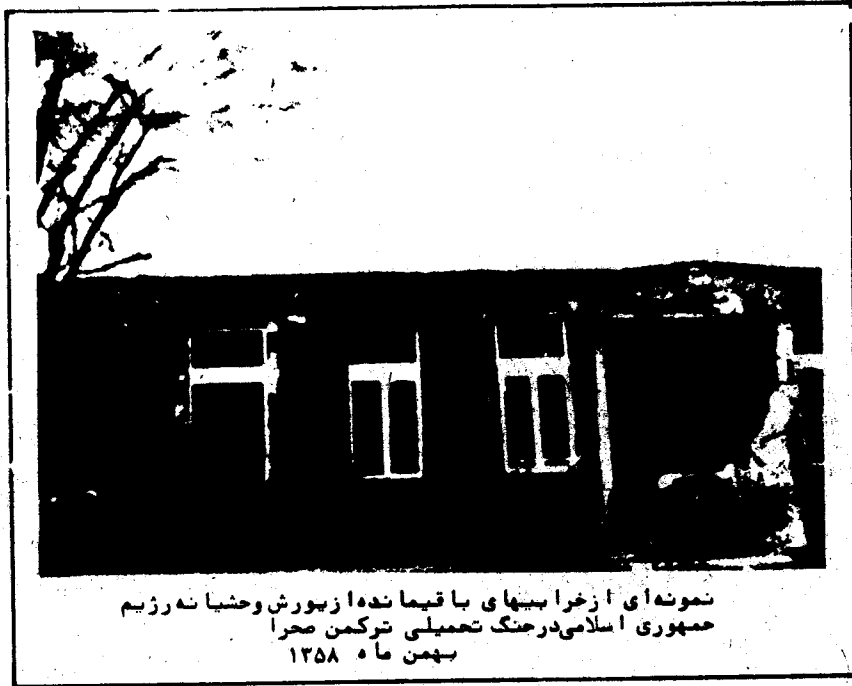
همان آغاز دیگری طی اطلاعیه ای خبری و دوره "شهادت ۱۲" را منتشر میکنند برادران پاسداران! "را منتشر میکنند که روزنامه جمهوری اسلامی ۲۰ بهمن این خبر را با تیتر درشت و آب و تاب فراوان منعکس میکند. این روزنامه مصمم انتشار اخبار تحریک آمیز همراه با دروغها و اراجیفی درباره توطئه ترکمن ها "عوامل جنگ امروز، مزدوران زمینداران و مرتجعین محلی (یعنی همان کمیته مخفی) را "مردم مسلمان" منطقه قلمداد میکند!

از روز بیستم بهمن دامنه جنگ گسترش یافت. تمام ارکانهای سرکوب خلق بکار افتادند. ابتدا سپاه پاسداران با خلق ترکمن می جنگید ولی پس از سه روز که موافقت شد آنش پس برقرار شود، ارتش با تمام قوا وارد عمل شد. هما نظوریکه در مناظره تلویزیونی سال گذشته دیدیم وقتی فرمانده پاسداران گنبد از نشان دادن کالیبر هشتکایت کرده و اظهار تاسف میکرد که با این دلیل نتوانسته آنطور که با بدو شایدها نه های مردم زحمتکش را بر سرشان خراب کند! یکی از فرماندهان ارتش میج او را باز کرده و با او با آوری میکند: "برادر تیمسار! شما دهمر شما با من تماس گرفتند و گفتند که کلیه امکانات ارتش در اختیار شماست"

با این ترتیب تمام عوامل ضد خلقی: از مزدوران زمینداران، سران سپاه پاسداران و مرتجعین محلی گرفته تا سران ارتش دست بدست هم دادند تا ترکمن صحرا را با خاک و خون کشتار و این کارون مبارزه و مقاومت و شورا را درهم بکوبند. هدف آنان این بود که رهبران شوراها را از بین برده، محیط آرام و وحشت در منطقه ایجاد کنند و در نهایت شوراها و دهقانی ترکمن صحرا، این نهادها و حاکمیت خلق را محو و نابود سازند. آنچه در زیر



جنگ تحمیلی ترکمن صحرا...



نمونه‌ای از خرابیهای باقیمانده از یورش وحشیانه رژیم
جمهوری اسلامی در جنگ تحمیلی ترکمن صحرا
بهمن ماه ۱۳۵۸

علاوه بر پاسدارها، افراد مسلح غیر
پاسدار، مزدوران و پرتجعین محلی
به قتل و غارت ترکمنها می‌پرداختند.
پاسداران منزل به منزل به جستجوی
فعالین شوراها پرداخته و دستگیری
آنها مبارت می‌کنند. تمام کوجه‌ها
و خرابیهای منطقه ترکمن نشین شهر
هدف تیراندازی قرار میگیرند.
روستای "بدلجه" که ساکنین آن
بدنبال به توپ بسته شدن خانه‌های
خود را ترک کرده بودند به وحشیانه‌ترین
شکلی غارت گردیده و سپس به آتش
کشیده میشود. چندان پیره مردیک
پیره زن که نتوانسته بودند فرار کنند
توسط پاسداران دستگیر شده و برای -
بقیه در صفحه ۴

ارتش وارد شهر شده و پاسداران در پناه
نیروهای ارتشی شروع به حمله میکنند.
در این روز و روزهای بعد پاسداران در
پناه تانکهای ارتشی به پیشروی خود
ادامه داده و تیراندازی شدت میگیرد.
نیروهای ارتشی با شلیک توپ
ساختمان آموزش و پرورش و چند
ساختمان دیگر را در محله ترکمنها
ویران میکنند. همچنین ساختمان
دانشرا و ستادشوراها و خلق ترکمن
به خرابیهای تبدیل میشود. نیروهای
ارتش همه نوع سلاح برای یک جنگ
تمام عیار بکار می‌برند. از ۳ تا
آرپی چی ۱۷ زکالیر ۵ تا توپ ۱۰۶ و
تانک چفتن همه بکار برده میشوند تا
خلق ترکمن را بجاک و خون کشند.

میکنند که با این قضیه رسیدگی کنند! این هیئت روز هفتم به گنبد میرود و عصرها نروزیبا زمیگر در دوروز هشتم اعلامیه "گروه فدائیان ترکمن" در روزنامه جمهوری اسلامی نجا پ رسیده و از سانه‌های گروهی بخش میشنود. و بنی مدرسیح هشتم اسفند چند ساعت بعد از بخش خیردرنما بشکام خود کفائی در برقی منطقه با اطمینان گام میگذارد. میگوید: "مورد دیگری که پیش آمده با سختی رفتار کردم و تقریبا در گنبد به ترتیبی گشتند که معلوم نبود و گفته میشد سبها پاسداران انقلاب این کار را کرده‌اند. وقتی من فرماندهان سپاه را نصب کردم، اولین ما موریت شان همین بود که رسیدگی کنند و اگر از ناحیه سپاه است اقدام شود... اما بعد معلوم شد و گروه چریکی که جنگ را لازم میدادند با یکدیگر برخورد داده‌اند و گروهی، افراد گروه دیگر را کشته‌است..."

آری شکفت انگیز است. "گروه فدائیان ترکمن" روز ۲۸ بهمن به پاسداران حمله میکنند و پاسداران را زخمی کرده و زندانیان را بیهوش می‌کنند. در آن هنگام من به سپاه پاسداران در این باره اعلامیه میدهم و نه "گروه فدائیان ترکمن". اما وقتی رئیس جمهور هیئتسپاه را برای رسیدگی با این کار تعیین میکنند و این هیئت روز هفتم به گنبد میرود. "گروه فدائیان ترکمن" گذاشتی برای آنکه رئیس جمهور را از محاصره در آورند!! بلافاصله همان شب اعلامیه میدهند که این ما بودیم که چنین چندان کردیم و رهبران ترکمن را بشهادت رساندیم!! تا اینکه آقای بنی‌صدر بدون اینکه منتظر گزارش هیئت تحقیق بشود با اطمینان کامل (به اعلامیه فدائیان ترکمن) با خیال راحت اعلام کنند که سپاه پاسداران کاملاً معلوم و بی‌گناه است و ابد این و مله‌ها با ونمی‌چسبند!! و حتما انتظارم داشت مردم این شعبده بازیها را با و رکند!؟

گلوله باران محله ترکمن نشین گنبد، کشتار فجیع مردم و آواره کردن آنها

پس از سه روز جنگ خونین روز یکشنبه ظاهراً مذاکره برای آتش بس به نتیجه میرسد و قرار میشود آتش بس اعلام و ارتش برای استقرار "نظم" در شهر مستقر شود. ترکمنها تقاضا می‌کنند برای آنکه استقرار ارتش در شب موجب تحریک اهالی نشود، این اقدام روز دوشنبه صبح اجرا شود. اما علیرغم این درخواست، از ساعت ۶/۵ بعد از ظهر یکشنبه تانکهای



نمونه‌ای دیگر از خرابیهای جنگ دوم ترکمن صحرا در بهمن
ماه ۱۳۵۸

جنگ تحمیلی ترکمن صحرا...

بقیه از صفحه ۴
کسب اطلاع از جوانانهای که روستا را ترک کرده بودند مورد آزار و شکنجه وحشیانه قرار میگرفتند.

نیمه شب سه شنبه ۲۲ بهمن بقیه ترکمنها شبکه در شهر مانده بودند و حتی خود را با خطر مرگ و نابودی روبه رو می بینند تصمیم به ترک شهر می گیرند. اما چون تمام غنای آنها و کوجه ها زیر رگبار گلوله قرار داشته و امکان خروج از خانه ها نبوده لذا مردم با سوراخ کردن دیوار خانه ها و رفتن از خانه های به خانه های دیگر از طریق تنه ای که سالم و قابل استفاده مانده بود در معرض تیراندازی پاسداران قرار نداشتند ترک می کنند آنها در حالیکه گشته ها و زخمی هایشان را به دوش میکشند بسوی روستا های دور دست عقب نشینی میکنند.

در باره تعداد کشته شدگان جنگ - روزنا مه کیهان هشتم اسفند ۵۸ از قول حجت الاسلام طباطبائی دادستان انقلاب اسلامی استان مازنداران می نویسد:

۳۳۰۰ مرد قتل گشته شدگان نومرجوحین از پاسداران و غیر پاسداران ۳۶ نفر کشته و ۱۶۷ نفر مجروح بوده است. در مورد کشته شدگان ترکمن هم بدلیل اینکه اکثر مجروحان در منازل بستری بوده اند اما رد قیفی در دست نیست. لکن آمار بدست آمده از آژاندارمری، شهرستانی و تحقیقات محلی حاکی از این است که از ترکمنها نیز ۴۷ کشته و ۸۱ نفر مجروح شده اند. اما مطابق تحقیقات حقوقدانان که برای تحقیق رفته بودند تعداد کشته شدگان و مجروحین ترکمن به مراتب بیش از این ارقام است.

اعدامها و کشتار بدون محاکمه

در جریان و پس از خاتمه جنگ "گروه ضربت پاسداران" که درگنبد و بطور کلی در ترکمن صحرا مستقر شد و زیر نظر خلعالی حرکت میکرد به پاسان مردم افتاده و آنچنان جنا با تسی مرتکب شدند که روی قشون مغول را سفید کردند؛ آنان وحشیانه بهانه های مردم برای شکار مینا رزا ریخته و بدستگیری فعالین ترکمن پرداخته و سپس بدون محاکمه و تنها بدستور خلعالی آنان را اعدام کرده و در گوشه رکنای شهرها میساختند. قابل توجه است که گزارش این جنا با ت توسط دادستان انقلاب مازنداران با اطلاع رئیس جمهوری بنی مروسا بر مقامات رسیده است ولی آنان کوچکترین اقدامی در مقابل این جنا بیگناهیات انجام نداده اند. روزنامه اطلاعات مورخ ۱۲ اسفند ۵۸ تحت عنوان ۲۳ نفر اعدام شدند می نویسد:

"سید مهدی طباطبائی (دادستان انقلاب مازنداران) افزود: پس از آروز تحقیق در باره وقایع گنبد که گزارش کار را به تهران دادم و مطالبی را گفتم و اما در قیام کشته شدگان را هم که ۳۶ نفر بوده اعلام کردم (البته منظور کشته شدگان پاسداران است) و نیز ۲۲ جسد پیدا شد و علائم نشان میدهند که تیر خورده گی از ناحیه سینه به بالاست و حالت اعدام دارد. گزارش مربوط به تحقیق در باره این ۲۲ جسد نیز به رئیس جمهوری دادستان کل انقلاب داده شد و تحقیق و بررسی هنوز هم ادامه دارد.

بنی صدر شریک جنایت و توجیه کننده توطئه ها

این روزها بنی صدر پرچم آزادیخواهی بلند کرده علیه شکنجه دادن میدهند به بیعدالتی ها اعتراض میکنند! و به مردم میگویند که در مقابل خود کا مگی ما موران حکومتی مقاومت کنند! او کار را بجای رسانده که سال دوم زما مداریش را سال "استقامت" در مقابل زورگو شیطانا منهاد است! اما نگاهی به عملکرد او در راستای ریاست جمهوری - هنگامی که از قدرت بیشتری برخوردار بود - بروشنسی نشان میدهد که این سخنان و ادعا ها، شعارهای بوج و بی محتوایی بیس نیست. و تنها برای فریب توده ها و جلب اعتماد آنها بسوی خویش است.

بنی صدر در وقایع گنبد و کشتار مردم و سرکوبی شورا های ترکمن امران نقش زورانه و توجیه گرانه داشت. او بسوی اینکه از قافله عقب نماند و دست همپا لگی هایش را بفشارد وارد میدان شد؛ ابتدا با جعل اخبار و تحریف حقایق در توطئه ها کمیت برای کشتار مردم بدست شرکت می کند؛ اگر روزنا مه جمهوری اسلامی خبر دروغ کشته شدن ۱۲ پاسدار را در ۲ بهمن بیجا می رساند و نیز روز ۲۱ بهمن در روزنامه خود، انقلاب اسلامی خبر دروغ خلع سلاح پاسگاه ژاندارمری در اطراف مری شوری را بوسیله "فدائیان خلق" انتشار میدهد و چندی بعد در حالیکه از واقعت ما برای کشتار فوج ۴ رهبر خلق ترکمن کلا گاه است اظهار میکند که برخی شهادت ۳ تن از رهبران خلق ترکمن را به پاسداران نسبت میدهد در حالیکه طبق تحقیقات (منظورا علامیه گذاری گروه فدائیان خلق ترکمن است) آنها در اثر اختلاف بین دو گروه چریکی کشته شده اند! و با در حالیکه طبق گزارش دادستان انقلاب اسلامی مازنداران، ۲۴ نفر درگنبد بدون محاکمه اعدام شده اند، جنا با نشان کوچکترین اقدامی در جهت شناسایی قاتلین بعمل نیاورد. و حتی اشاره ای هم در این باره نمیکند!

دشمنی بنی صدر با شورا ها و دهقانان ترکمن صحرا و با خلق ترکمن چیزی نیست که او را بپوشاند، او که وجود شورا های واقعی را در ترکمن صحرا خطری جدی

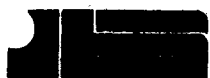
برای حاکمیت بورژوازی میدانند در سخنرانی خود در خوزستان - در همان ایام - اعلام میکنند: "ما خانه به خانه خواهیم گویید و تا زه این ده در صد قاطعیت ماست" و دیدیم که چگونه ارتش و پاسداران به فرمان رئیس جمهور و فرمانده کل قوا خانه به خانه درگنبد پورش بردند و پس از قتل و غارت خانه ها را به آتش کشیدند. و او پس از آن، برای اینکه دستهای خونین خود را که بخون خلق ترکمن آغشته بود پنهان کند و خود را پاک و منزه جلوه دهد با این محاسبه که در هر صورت او برنده است، بحث آزاد و مناظره تلویزیونی را پیش کشید. اما در همین مناظره هم تمام هم و غشش بر این بود که مسئله خلع سلاح مردم را جابجا کند و از آنجا که از موضع متزلزل نمایندگان اپورتونیسیت "کمیته مرکزی" اطلاع داشت در این هدفش مبرانه پیش رفت.

بنی صدر در اظهاراتش بوضوح نشان داد که با شورا های ترکمن صحرا - جنگ دارد. او در همین مناظره خطاب به نمایندگان "کمیته مرکزی" گفت: "شما برای این شوری من در آوردم چه وظایفی قابل بودید؟ وظیفه شورا حل مسائل دهقانی بود یا جنگ با دولت؟" بنی صدر زور را نه جنگ را بگردن شورا ها می اندازد و هیچکس هم در آنجا نبود که با او بجوابد این شما بودید که با خلع سلاح مسئله زمین بشکل انقلابی توسط شورا ها، جنگ را به خلق ترکمن تحمیل کردید. این شما شید که با هر بنا دی که بخواهد حاکمیت خلق را برقرار کند دشمنید. آری این خط میهنی بنی صدر بوده است که به کیرانه! آنرا ادامه داده است.

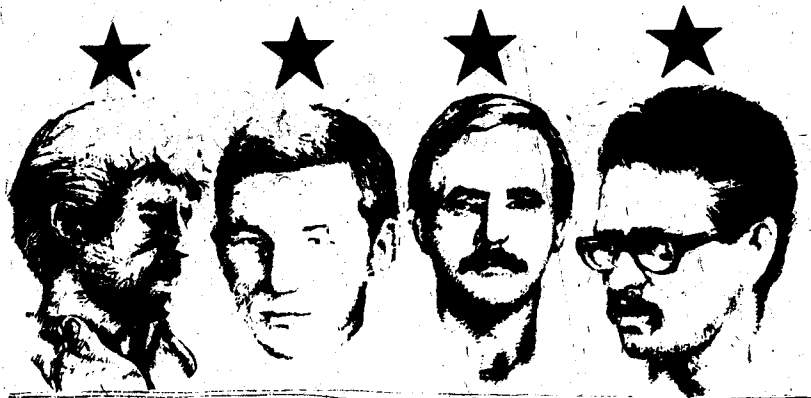
مخالفت با شورا های مردمی. مگر او نبود که ما هم بعد از جنگ گنبد، شعار "شورا بسوزان" را با کمال گستاخی اعلام کرد؟!.

بنی صدر در مناظره تلویزیونی کوشش کرد علت بروز جنگ در ترکمن صحرا را وجود شورا های دهقانی قلمداد کرده و از این طریق سیاست خلع سلاح توده ها را جابجا کند. ولی در مقابل مردمیکه ساعتها این مناظره را تماشا کردند میخواستند ببینند او به کشتار رهبران خلق ترکمن چگونه برخورد میکند. اما میلیونها بیننده تلویزیون در اقصی نقاط ایران دیدند که او از پاسخ دادن به این مسئله مهم طفره رفت. او سعی کرد جنا پتکاران خلق ترکمن را در مقابل میلیونها مردم ایران تطهیر کند. اما مردم دستهای خونین قاتلین خلق ترکمن را در تلویزیون مشاهده کردند. مردم خیلی خوب نسبت به سران پاسداران، سران ارتش، استادان خود فروخته و فرمانده کل همه آنها یعنی رئیس جمهور قضاوت کردند و از آنها دست شستند.

ولی همین مردم با کمال تعجب دیدند که چگونه مدعیان رهبری طبقه کارگر ایران! این اپورتونیستهائی که میخواهند بهر دریوزگی خود، تنها نشان بقیه در صفحه ۱۵



توماج، مختوم، واحدی جرجانی، زمین و شورا



همیشه مبارزه میکردند، آنها خواست
واقعی مردم را مطرح میکردند. دولت
بخاطر همدستی در ترور توماج، مختوم،
واحدی و جرجانی از افشای اسرار آن
می‌ترسد، اگر این‌ها در سنگر مبارزه
کشته میشدند، اینقدر راحت نمی‌شدیم،
چرا که می‌کشتند و گشته می‌شدند ولی دولت
تا مردانه آنها را کشت. بنی‌صدر هم در
این کار دست دارد، او میداند، چون
رئیس جمهور است، اگر خودش دخالت
نداشت قاتل بچه‌های ما را معرفی نمیکرد،
مگر خودش در تلو بی‌یون نگفت که اینکار
را میکنند؟

در مورد اینکه آیا خانواده‌های این
چهار شهید میل دارند برای سالروز
شهادتشان مراسمی برپا شود یا نه مادر
توماج به نمایندگی از طرف دیگران
میگوید:

"ما ما بلسم که مراسم بزرگداشت
فرزندانمان حتما برگزار شود. ما از
همه می‌خواهیم که در این مراسم شرکت
کنند تا این مراسم دوباره سر آغاز
حرکتی شود و راه بچه‌های ما را گشاید.
گرفتن زمین از با بهارهای زحمتکش
بنوادا ما دهنده این پیراهن خونین
شهادت که ما برتن کرده ایم."
مادر در مورد شوراها و اینکه بعد از
ترور رهبران خلق ترکمن، وضع شوراها
چطور شد، میگوید:

"شوراها را خود زحمتکش با کمک
نیروهای انقلابی درست کردند
و این شوراها برای بدست آوردن
حقوق زحمتکش مبارزه میکردند.
بعد از جنگ دولت گفت شورا بی‌شورا،
اما چون نتوانست این حرف را
بگری بنشانند، شوراها را اسلامی را
راه انداخت و این شوراها بیشتر
شوراها را حاکم مالکین و سرمایه
دارهاست. در این شوراها با مطلق
اسلامی، آخوندهای طرفدار زمینداران
هم هستند. اگر هنوز هم می‌بینید
مبارزات دهقانان ادامه دارد
این خاطر است که شوراها زحمتکش
که دولت بخیرال خودشان را منحل
کرده هنوز در کنار مردم و برای مردم
مبارزه میکنند."

مادر با درکی عینی از مسائل و مسائل
همان بیان ساده روستائی، خطاب به
توده‌ها و نیروهای انقلابی میگوید:
مردم باید اتحاد داشته باشند، مردم
باید زشوراها را خودشان دفاع کنند،
وقتی مردم متحد باشند دیگر از سپاه
و ارتش نمی‌ترسند، مردم باید
خودشان حکومت تشکیل بدهند.



زمین و شورا از زبان دهقانان ترکمن صحرا

• دهقانان ترکمن صحرا چه می‌گویند؟

بهبتر از هر کسی دهقانان زحمتکش و
ستمدیده ترکمن صحرا، آنها که با توماج
و رفقا پیش شورا را شناختند، آنها که با
توماج و رفقا پیش مبارزه با زمینداران
ارباب را شناختند و دانستند که دشمنهای
وسیع و حاکم طلیخ ترکمن صحرا باید از
آن خودشان باشد و آنها که با توماج و
رفقا پیش کار کردند، میتوانستند با
سئوال پاسخ دهند که توماج، مختوم،
بغیه در صفحه ۱

آنقدر تلاش میکنند تا تلخین پسندش
معرفی شوند. این زن زحمتکش روستائی
که آشپزخانه‌ی کاروانسراها پرچهره
دستها دارد، در پاسخ اینکه چرا
حکومت فرزندان شما را ترور کرد؟
میگوید:

"توماج و رفقا پیش بخاطر مبارزه
بسرای گرفتن حق و حقوق زحمتکش
نوسط رژیم ترور شدند. ما آزادی و
حقوق ملی‌مان را می‌خواستیم و
دولت از دادن آن عاجز بود. اینها
دشمنان همکار با آخوندهایی که
قبلا مجرب شاه را می‌کشتند، زمیندارها
و سرمایه‌دارها بودند ولی بچه‌های ما

توماج، مختوم، واحدی و جرجانی که
بودند؟ چرا کردند؟ چرا حکومت
آنها را ترور کرد؟ ...
مادران این چهار شهید خلق ترکمن،
اخیرا دیداری با چند تن از نمایندگان
فدائیان شهیدسالهای اختناق داشتند
در خنده توماج، با بیان ساده و رسای
خود از سر تر گفت، از آرمان انقلابی
توماج و رفقا پیش، از ترور آنها و سکوت
ماندن پرونده‌شان گفت، از شوراها
گفت و از حقوق دهقانان و جوانان
زمینداران و دولت‌حاکمی آنها و اینکه

بقیه از صفحه ۵

واحدی و جرجانی که بودند؟ چه کار کردند؟ و چرا حکومت آنها را ترور کرد؟ ... یکی از رفقای نزدیک توماج درباره او میگوید:

"در طول ۹ روز جنگ اول کهنه (فروردین ۵۸)، جنگی که برخلاف ترکمن صحرا تحمیل شد و بهترین فرزندان ما را با کوه خون کشید، توماج شب و روز بدون احساس خستگی، برای پایان دادن جنگ فعالیت میکرد، او لاینقطع با تمام نهادهای ارگانهای رسمی و غیررسمی، تماس میگرفت و خواهان پایان جنگ میشد. او و مختوم و چند نفر دیگر در مذاکرات پایتختان جنگ، با مقامات دولتی، بمنشوان نمایندگان خلق ترکمن شرکت کردند. بعد از جنگ کوهی از مشکلات دهقانان، خانوادههایی که شهید داده بودند، وضع شهر، شوراها و ... بر دوش جوانان قرار گرفت و این احتیاج به مقاومت روحی و پشتکار بسیار داشت و توماج از این نیرو برخوردار بود.

دهقان زحمتکشی، دریکی از روستاهای ترکمن صحرا میگوید:

"طرفدار دهقانان بودند، اربابان را بیرون کردند و زمینها را بطور شورائی کاشتند. ما از شورا دفاع میکنیم، از کشت شورائی دفاع میکنیم، شورا باید باشد! شورا اگر با شاد خوب است، شورا اگر نباشد نمیتوانیم، گندم و بذر بگیریم و شورا اگر نباشد زمین را به دهقانان نمی دهند. به خاطر طرفداری از دهقانان آنها را کشتند و الان که شهید شده اند، ارباب ها دوباره تکان میخورند و زمینهاشان را دارند میگیرند، مثلا غفاری ارباب ده ما جرات کرده و زمینهاش را پس گرفته، آن موقع برای دهقانان بهتر بود و اربابها نمیتوانستند تکان بخورند، ولی الان تکان میخورند. ستاد خیلی خوب بود.

دهقان دیگری درباره سخ به سوال های مزبور ضمن اینکه به هیچان آمده و گوشتی خاطره های دردناک را به یادش آورده باشی، دندان بهم میساید و تنفروا نجا را در چهره و چشمش نگریدیداش موج میزند، میگوید:

ما دیگر درباره رفقای شهید حرف نمی زنیم، حرفمان گلوله می شود در تفنگ، دور قلبم را خون گرفته، از توماج حرف نزن لحظه ای ساکت ایستاد و اشک در چشمش حلقه زد و به زمین خیره ماند.

آرامتر که شد دنیا له حرفش را گرفت:

"من هر حرفی میزنم از ذهن رفقا، توماج و مختوم و واحدی و جرجانی است، من قبل از اینکه اینها به ما بیایند هیچ نمی دانستم، آنها به ما آگاهی دادند که جلوی زمینداران سرمایه داران به ایستیم و حقمان را بگیریم.

دوباره مکث می کند و به وسعت سبزه حرا چشم می دوزد و سپس ادامه می دهد:

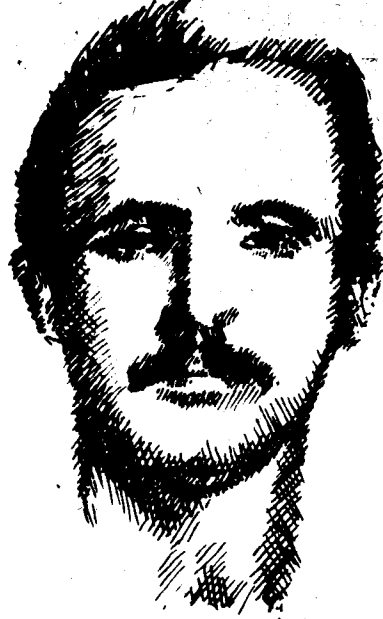
"زمین ها را دوباره میگیرند. این جنگ را به ما تحمیل کردند، ستاد جایی بود که ما از آنجا آگاهی می گرفتیم

توماج، مختوم، واحدی جرجانی، زمین و شورا

و میخواستند این ستاد را زمین برود. سرمایه دارها و زمیندارها می دانستند که شوراها چه به روزگار آنها می آورد، آنها جنگ را به ما تحمیل کردند تا زمین ها را پس بگیرند. بعد از جنگ چند بار آمدند که شورا های اسلامی تشکیل بدهند، مردم یکصد می گفتند که ما شورای اسلامی نمیخواهیم و از شورای قبلی حمایت می کردیم، اما شورای مرکزی میگفت که ما نمیتوانیم شورای قبلی را قبول کنیم، و با یکسانی توی شورا باشند که مسلمان و مسجدرفته و وریش

جمهوری اسلامی کار می کنند، در صورتی که شورا های دولتی با شورا هایی که افتاده دست دولت زمینهای را که از دهقانان گرفته اند نگاه داشته اند. دهقان دیگری نفس عمیقی می کشد و به زمین های گسترده و پر بار اطرافش نگاه میکند و میگوید:

"میخواهند روحیه ما را خراب کنند، زمین ها را از ما جدا می کنند، زمینهای غفاری اما ده گشت بود که از ما گرفتند، آن وقت که زمین های غفاری را کاشتیم و محصول را برداشت کردیم، نصف آن به هفت خانواده که روی آن زمین کار کرده بودند داده شد، آنها اگر سالهای قبل پنج هزار تومان بدست می آوردند، امسال با کشت شورائی کمترینش پانزده هزار تومان بود،



فدائی شهید رفیق مختوم



فدائی شهید رفیق واحدی

حالا نمی فهمی توماج و مختوم و واحدی و جرجانی کی بودند و چه کار کردند و ستاد چه جایی بود، اینها که رفتند مالک ها دوباره دارند، سرش را بالا می آورد و بلند تر از قبل میگوید:

"اکثریت سازمان، اتحادیه های دهقانان را به جهاد سازندگی و دولت واگذار کرد، و می توانیم بگوئیم که سازشکار است. و از دهقانان فاطه گرفت و از کارگردانان افتاد داخله هر جا و هر خانه ای که بروی حرفها روی همین است، ما قبلا همه اش از ستاد حرف میزدیم، آن موقع ستاد بیک چهار دیواری بود اما از وقتی ستاد ما را ورهبران ما را از ما گرفتند، همه جا ستاد شده، حالا میتوانیم بگوئیم هر خانه یک ستاد است. ما امید داریم که شورا های اسلامی نداریم، اینها همان نقش

بقیه در صفحه ۱۰

بلند باشند، و با لایحه به زور شورای اسلامی را درست کردند. در شورای مرکزی اجازه نمی دهند که از در دولت خودمان و مردم حرف بزنیم، اینها نوجه های زمیندارها هستند. همین غفاری مالک ده خودما، از دادستانی حکمی آورد که زیرش نوشته بود "اگر شورای اسلامی تأیید کند، زمینهای غفاری باید پس داده شود، شورا هم تأیید کرد.

دهقان دیگری که تا کنون به محبت ها گوش می داد میگوید:

"بعد از اینکه شورای قبلی را که توماج درست کرده بود منحل کردند و شورا، اسلامی شد، ۱۵۰ هکتار از زمین های بنماش را از دهقانان پس گرفتند اما نتوانستند حتی با هشت تراکتور آنرا شخم بزنند در صورتی که ما با سه تراکتور هشتصد هکتار زمین را شخم زدیم. مدام از طرف ستاد شورا های مرکزی میگویند شما کاری نمیکنید، علیه اقتصاد و

شهرها سکونت دارند، به زبانی چرکمنی سخن نمیگویند. در روستاهای ترکمن صحرا، آنهم در صورتی که مدرسه و معلمی در کار باشد، درس خواندن دختران در مدارس که معلم مرد دارند، خلاف اخلاق و عرف به حساب می آید. مبارزات زنان ترکمن پس از تقیما بهمن ماه ۵۷ که مردم زحمتکش ترکمن صحرا بخاطر تانکین خواسته های انقلابی خویش بنها خاسته و به معادله زمینیهای غصب شده خودشان توسط وابستگان رژیم سابق وزمینداران بزرگ، پرداختند تا از این حرکت انقلابی نورانی میباید در دل زنان زحمتکش ترکمن صحرا درخشیدن گرفت. آنان که با درکارگاه خانگی قالیبافی به کار مشغول بودند با نخ ریسی میگردند، با به کار کشاورزی و دامداری شورا نشانیان کمک می رسانند و با به گرداندن امور خانه مشغول بودند، در انتظار تحوالتی در شرایط سخت زندگی خویش بودند. اعلام موجودیت گانوان زنان ترکمن صحرا در فروردین ماه ۱۳۵۸ این امید، راقوتی بیشتر بخشید. گانوان زنان ترکمن صحرا در طی عمر کوتاه خویش تلاش کرد از طریق ارائه برنامه های آموزشی در سطح شهر و حرکت در جهت ایجاد شورای قالیبافان، زنان زحمتکش شهر و روستا و دختران پرشور دانش آموزان تشجورا به طرف خود جلب کند. روی آوری تعداد کثیری از دختران دانش آموز، دانشجو و زنان شاغل و عمدتاً معلمین و پرستاران ترکمن صحرا به این گانوان، بیانشگر این واقعیت بود که گانوان زنان ترکمن صحرا می توانند با ارائه برنامه های دموکراتیک، گامهای موثری در جهت آموزش سیاسی و بسیج زنان به عرصه مبارزه، سیاسی بردارند. برنامه های فرهنگی گانوان زنان ترکمن صحرا که به دوزبان ترکمنی و فارسی اجرا می شد، تعداد کثیری از زنان را به خود جلب می کرد. در طرف مدت کوتاهی از جانب زنان زحمتکش روستا، مراجعات متعددی برای ایجاد شوراهای قالیبافان در روستاها با گانوان زنان ترکمن صورت گرفت. عاملین دولت جمهوری اسلامی که در شرایط ویژه آن زمان شاهد رهبری بی چون و چرای ستادشوراهای ترکمن صحرا بر منطقه بودند، حتی جرات ورود به روستاهای ترکمن صحرا را نداشتند، آنها پس از اعلام اهداف شوراهای قالیبافان به این شورا مراجعت نمودند و اعلام نمودند که "با نیات حسنه" خویش آماده همکاری با شوراهای قالیبافان بوده و می توانند "امکانات دولتی را در اختیار شوراهای قالیبافان قرار دهند و البته برای حل مشکلات زنان زحمتکش قالیباف "راه حل" انقلابی "تیز راه" می گردند! از جمله می گفتند:

به علت آنکه در بارزاریه بین المللی فرش، دست زبانه شده و بقیه در صفحه ۸



• زندگی و مبارزات

زنان ترکمن صحرا

بقیه از صفحه ۱

وقت لازم است. دار، نخ و رنگ قالی حدود ۵۰۰ تومان تمام میشود. آنوقت ما جب کار با بت این قالی حداکثر ۱۸۰۰ تومان می بردارد. اگر فرض کنیم که ۱۲۰۰ تومان در آمد قالی محسوب می شود با محاسبه تعداد نفرات با فتنده و تعداد دروزها و ساعتی که در هر روز قالی در طی آن بافته شده است، دستمزدی کمتر از ساعتی ۵۰۰ ریال نصیب قالیبافان می شود. و از آنجا که قالیباف در محل زندگی خود کار می کند هیچگونه خرجی متوجه صاحب کار نیست. کارگر قالیباف بیمه نیست، او از هر گونه امکانات رفاهی محروم است قوانین کار در مورد محدودیت ساعات کار، مرخصی سالانه، مرخصی زایمان، حداقل دستمزد و... نیز شامل حال وی نمیگردد.

در ترکمن صحرا فاصله بین زن و مرد از نظر اجتماعی بسیار فاحش است به نحوی که زنان مجاز نیستند در مقبور مردان نشسته، صحبت کنند دختران ترکمن به هنگام ازدواج "خریگندو فروش" می شوند و خانواده های طرفین با بدروی قیمت "دختر" توافق کنند. و در واقع دختران بخشی از مملکت خانوادگی به حساب می آیند. در مورد بالائی از زنان ترکمن صحرا بیسوادند و بسیاری از آنان، حتی آنان که در

زخم نخ می بندد و با روی آن خاک میزدند تا خون بند بیاید. و در مقابل این تذکره که این عمل غیر بهداشتی و مخاطره آمیز است، می خندد و می گوید "این زن زخمها جزئی است به بیشتر از اینها هم عادت کرده ایم". دخترک ۱۴ ساله دیگری که در حال قالیبافی است، در پاسخ به این سؤال که چرا به مدرسه نرفته است می گوید "برای اینکه نان نداریم، کار می کنم، مدرسه نمیروم".

در روستاهای دیگر زنی با تنه های دخترش زندگی می کند. دختر از مدتی پیش دچار اختلال روانی شده است. مادر در گوشه ای از اتاق خاک ریخته و توضیح می دهد که دخترش در همانجا قضای حاجت می کند و او مجبور است که برای نگهداشتن او در تنه ای اطاق خانه، در کجنگ همان اطاق برایش مستراح درست کند. دختر قالیباف شانزده ساله ای که از عوارض قالیبافی شکایت می کرد، می گفت: دلم درد می کند، دست و پاهایم درد می کند، چراغ گرد سوز خیلی اذیت می کند و سر گیجه می آید. ۲۴ ساعت سر درد دارم.

برای بافتن یک قالی ۱۵x۱ متر، اگر نفر همه روزه از ساعت صبح تا ۱۰ شب روی آن کار کنند، ۴۰ تا ۴۵ روز

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

مرثیه ترکمنی

زندگی و مبارزات زنان ترکمن صحرا - صفحه ۷



سینه های قالیهای برای سوز در دیده شده و در عین حال قیمت قالی برای بی به علت مرعوبیت، کراپترا ز قالیهای با فیه کشورها دیگر است. صنعت قالیها فی ایران با یاد از میسان برود و در آزا آنرا بد برای پتان شاغل در این صنعت، حرفه های دیگری از قبیل دوزندگی، آراستگری و ماشین نویسی در نظر گرفته شود (بقل به معنی از علامیه، وزارت کار از جنبش خلقی چه میخواهد؟ ۱۳۵۸/۳/۱۰)

البته این هم برای این بود که نشان دهنده مسئولین دوره انقلاب وزارت کار به یا دحل مشکلات مردم زحمتکش روستا های ترکمن صحرا هستند! و چون بزم آنها صنعت قالیها فی ضرورت وجودی خود را از دست داده است دیگر ایجا دکا رگا ههای مدرن قالیهای و شرکت تعاونی برای نامین مواد مورد مصرف قالیها فی نیز بدرد نخواهد خورد! البته زنان هسار روز زحمتکش ترکمن صحرا خیلی خوب معنی این حرفها را می فهمیدند. آنها خیلی خوب میدانستند زنا نی که به زحمت نشان کافه برای سیر کردن شکم خود و خانواده هایشان می یافتند، نمی توانستند حتی فکر آنرا هم بکنند که به آرایشگاه بروند و به قول یک دختر قالیها قالیها حتی نمیتوانند سه روز یکبار هم به موهای خودشان ای بکنند، مگر آنکه نوانغ وزارت کار بخواهند تا آرانه این اندیشه های نبوغ آمیز به مظاهر کبری جمهوری اسلامی بپردازند! آنها خوب میدانستند که پیش شرط مائیس نومی دانستن نوا داد است. و شاندرت به صدر مددگان روستاهای ترکمن صحرا که به با فنی قالی مغولند از نوا داد خواندن و نوشتن محرومند. آری، اینها را زنان زحمتکش شهرو روستای ترکمن صحرا خیلی خوب می فهمند و برای آنها این ندیشه های "مسئله" مسئولین وزارت کار کوا ه با زراس حقیقت بود که مسئولین

نه چمن بید خوابید
ونه مینودشت
تا سپیده دم خونین
درختان فریاد کشیدند.

با دسخراد منی از بزرگ برگرفت
گرد چمن بید چرخید
گرد مینودشت چرخید
برگ چرخنده در چهار رگاله خون فرو برد
برگ چرخنده از چهار رگاله خون برگشید
و بر برگ بردرگا ه خانه، ترکمنی افگند

رودخانه های صحرا
و شاخه های زمستانه جنگل
در سیده، سرد می لرزیدند
که خلق ترکمن چون رمگانی، خشما خشم
شبهه در سیه کشید

وبال شیمان در شفق صحرا آفت
چهار نام خونین
چهار رگاکل خونا لود
چهار زشانه خونفشان
چهار قلب آشگرفته
فرار او به های سوخته می چرخیدند
و خون شورا
از کاکل و شانه و قلب
برگند مزاران نوحیز می شکست

نگاه کن
آنجا، پشت چیفتن ها
سرما به داران گنا ریله، انحصارات
ایستاده اند
مجمعه های مرک پشت چیفتن ها می لرزند
وبال لیختدی هراستاک
به رئیس جمهوری
خوشامد میگویند

نونواران چکمه پوش
در انبیا رهای تفنگ و کالامی کردند
و پرچم خونین نبرد طبقاتی
در آسمان میهن به گردش درآمده است

چهار رینجه ترکمنی
بریده و خونچکان
با سالی خونین جمهوری را
بر پیشانی شکسته ستادشوراها "میگویند"
بشت چیفتن ها
مجمعه های می لرزند و گلوله ها شلیک
می شوند
لیختدی لیان رئیس جمهوری
را می لرزاند
ولاله سبزگون "الله"
در "با سالی" گشتا رکاله خون بسته است

دشت های شورائی سا قومی شکنند
کارخانه های شورائی سوت می کشند
و پرنده ای سپید در توفان می چرخد
رفیقسان
در توفان می چرخند

چهار رفواره خون
در چهار رگوشه ترکمن صحرا می خوانند
و دنا عفه تازه خون
در آیدار ایران آتش می شکنند رفیقان
آتش می شکنند

آ... ی
دیگر زچمن بید چشم خونین فرو می بیند
ونه مینودشت

صحرا بتدریج به انفعال کشیده شود.
هر کام عقب نشینی سازشکاران در
مواجهه با حاکمیت سرکوبگران، افسان
مبارزات نوده ها و بیسرفیت ضدا انقلاب
را در ترکمن صحرا نتیجه داد. نشان
بدانجا که ضدا انقلاب دامنه تعرفات
خود را ایجا دکسترده تر بخشید.

سرکوب وحشیانه مبارزات خلق
ترکمن و ترور فاشیستی چهار رتن از
رهبران ستادشورا های ترکمن صحرا
و نفوذ ایورتونیزم راست "کمیتسه"
مرکزی اگر چه و فقه ای در حرکت
مبارزات عمومی خلق ترکمن و بیسرف
مبارزات زنان این منطقه بوجود
آورد، اما خلق قهرمان ترکمن از
زن و مرد مصمم است با سازماندهی نوین
و با درس آموزی از تجربیات گذشته
برای کسب حقوق دمکراتیک علیه
زمینداران بزرگ، برجسین و همه
کسانیکه جلوی حرکت انقلابی او
ایستاده اند. نه مبارزه قاطع خویش
تا پیروزی نهائی سرخسنا نه ادامه
دهند.

رژیم جمهوری اسلامی در بیگانه بودن از
شرایط و مسائل زندگی آنان تفاوت
چندان با مسئولین رژیم سابق
ندارد. به همین لحاظ بود که سیه
پیشنها دات مقامات جمهوری اسلامی
از جانب زنان زحمتکش با طنز و
نیشخند روبرو میگردید.

کانون زنان ترکمن در عمر کوتاه
خویش نواشت نقش سازشی در شکل
زنان زحمتکش و روشنگر
ایفا کند و لسی با پیورش
حاکمیت به ستادشورا های خلق ترکمن
و سایر نهادها، دمکراتیک، پس از
جنگ تحمیلی بهمین ماه سال گذشته،
این کانون عملاً به انحلال کشیده شد.
علاوه بر آن بیعت فندان برنامه و
نجر به و در عین حال عدم درک ضرورت
مبارزه دمکراتیک زنان، کانون
زنان ترکمن صحرا نتوانست در شرایط
جدیده کار خود را ادامه دهد.

ایورتونیزم "کمیتسه مرکزی" نیز
عامل دیگری بود که موجب شد حرکت
اعتراضی و مبارزات زنان ترکمن



کرد و آنهم "تحقیق" است. هیئت هیچ کاری نکرده است، آنها می‌بایند همه اش می‌گویند ستاد برای شما کاری نگردد و ما همه مشکلاتتان را حل می‌کنیم. هیئت در روستاها یک یا دو تا بنده انتخاب میکنند که اولین ضابطه انتخاب شدن اینست که اعضای شوراها قبلی نبوده باشند، اگر انتخابها با آنها با ثقل و زور ۲-۳ سپاه برگذار شده است.

• اگر بند "ج" قانون به اصطلاح اصلاحات ارضی اجرا شود، تأثیرات آنرا چگونه می‌بینید؟

بنظر ما بودن نبودن بند "ج" که به قولی اصلی‌ترین بند این قانون "نیم بند" است در این منطقه بی‌تأثیر است زیرا در اینجا بیشتر از تمام این حرفها دهقانان، به‌نوعی انقلابی و با حرکت خودش از خیلی وسیع تر از هزارتا بند "ج" را اجرا کرده‌اند. و حاضر به پس دادن زمینها هم نیستند.

• وضعیت سیستانی‌ها در منطقه چگونه است؟

قبل از جنگ دوم زمینهای مصادره شده زیر نظر شوراها بی‌اداره می‌شدند که دهقانان ترکمن و سیستانی در آن بودند و بین آنها فرقی نبود. بعد از جنگ سیستانی‌ها و ترکمن‌ها را از هم جدا کرده‌اند. و این یکی از سیاستهای دولت است.

• نظر دهقانان اکنون نسبت به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران چگونه است؟

بیشتر آنها هنوز آواره هستند و نمیدانند "اقلیت چیست و اکثریت چیست؟ شکستی و افسردگی فراوانی در آنها دیده میشود. آنها دل خوشی از کارهای "اکثریت" ندارند و میگویند راه توماج و رفقایش درست بود اما چرا به راهشان ادا نموده‌اند؟ دهقانان می‌گویند "دوران سیستانی دورانی دیگری بود، الان خیلی فرق دارد." آنها افسوس می‌خورند. مردم توماج و رفقایش را خیلی دوست دارند و می‌گویند "اگر آنها را از دست نمیدادیم به این روز نمی‌افتادیم" این روحیه و وضعیتی که بعد از جنگ بر اثر کارهای اکثریت "در روستاها کام شده خطری جدی برای جنبش دهقانی است. ولی بهر حال هنوز هم دهقانان در جنبش و جوشند. با وجودیکه جاشها، کمیته‌ها، بقیه در صفحه ۱۱

گزارشی کوتاه از:

شوراهای ترکمن صحرا

بقیه از صفحه ۱
حامیان واقعی دهقانان و این حرکت "اکثریت" و همچنین سرخوردگی غلبه ترکمن، دهقانان اینطور فکر میکنند که "شوراهای اسلامی" و "شورای مرکزی" حامی آنها هستند. دهقانان می‌گویند اگر این شوراها هم از بین بروند زمین را از دستمان درمی‌آورند. ولی دهقانان فقط پشت کسی هستند که از منافع آنها واقف دفاع کند.

• حرکت گروهها و دسته‌های مختلف رژیم در اینجا چگونه است؟

در اینجا حرکتهای رژیم و عمالش همگی ضد دهقانان و ضد شورایی است. این اعمال از طریق "گروه ضربت خلع سلاح"، کمیته‌ها، بنیاد مستضعفین و بویژه دادگاه انقلاب اسلامی صورت می‌گیرد و فئودالها نیز به شدت حرکات ضد دهقانی خود را ادا می‌دهند. مثلاً گروه "خلع سلاح" به روستاها می‌روند و بستوان داشتن اسلحه اعضای متروقی شوراها را می‌گیرند و راندن می‌کنند. این گروه مستقیماً از فئودالها حمایت می‌کنند. دادگاه انقلاب اسلامی هم همین ترتیب از فئودالها حمایت می‌کند. به آنها حکم میدهد که بیایند و زمینها را از دهقانان بگیرند. مثلاً در یکی از روستاها، بعد از جنگ تحمیلی دوم، فئودال ده با کمک وابستگانش که در ارگانهای دولتی بودند اعضای شورای روستا را به بهانه داشتن قاچاق دستگیر و زندانی کردند و زمینهای "خود" را که توسط شوراها مصادره و وکشت میگشت با حکم دادستانی انقلاب پس گرفت. دادگاه به دهقانان میگفت "چرا زمینها را بدون اجازه دولت گرفتید و کار شدید؟"

تمام کارهای "بنیاد مستضعفین" هم به شدت ضد دهقانی و ضد شورایی است. بنیاد می‌گوید زمینها بی‌که مصادره شده با بند دولتی باشد و شوراها هم باید زیر نظر بنیاد اداره شود. تا بحال خیلی از باغهای میوه را گرفته و بعضی را به ماحیان قبلی اش که فئودال و سرما به دارند پس داده و بقیه را خودش نگاه داشته است.

فئودالها هم بی‌کار ننشسته اند و بخواص با کمک "گروه ضربت" توطئه چینی می‌کنند. آنها انقلابیون و عناصر مترقی روستاها را دستگیر و زندانی می‌کنند. همین الان هم چندین نفر را آزادگاه و میا زرد زندان دولت سعی می‌کنند جو خفان ابجا دکنند. مثلاً در یک سخنرانی که بنیاد می‌خواست علل بندت گرفتن "باغهای میوه" را توجیه کند در دهقانان که به حرفهای نما بنده بنیاد اعتراض کردند دستگیر شدند.

• هیئت‌های هفت نفره چه کاری می‌کنند؟

این هیئت از اول که آمد فقط یک کار

حاکمیت که تصور میکرد به این طریق توانست دهقانان و شوراهای زنان را سرکوب کند در مدتها بعد دشوراها را اسلامی "کنترل شده" برآمد اما این حرکت با مقاومت و پیوستن دهقانان غیرترکمن صحرا و بیروشدی طوریکه در بسیاری از روستاها دهقانان نمی‌گفتند "ما انتخاب خود را قبلاً کرده‌ایم نما بنندگان ما همانها بی هستند که الان در زندانند" این ادعای موجود که در ارتباط با "شورای مرکزی" فعالیت می‌کنند انجا مید.

آنچه در پی می‌آید گفتگویی است با چند تن از اعضای فعال شوراهای ترکمن صحرا، آنان بهر آسون و قانع بعد از جنگ تحمیلی دوم در باره شوراهای، سیاستهای ضد خلقی و ضد شورایی حاکمیت، سازشکارانه و غیبتهای حاکمیت مرکزی و ذهنی است و خواستهای دهقانان سخن می‌گویند.

• بعد از جنگ تحمیلی دوم چه پرسش‌ها آمد؟

بعد از جنگ کلابین مردم وحشت افتاده بود. از طرف جها دسا زندگی به تمام روستاها می‌آمدند. آنها تعداد شدیدی به جای شوراهای قبلی شوراهای اسلامی برپا کردند. تا آنجا که میتوانستند سعی می‌کردند کسی از اعضای شوراهای قبلی دشوراها را سخت خودشان نداشتند. ولی در اکثر جاها دهقانان اینتا دگی کردند و از اعضای شوراهای قبلی هم به شورای جدید رفتند. بعضی جاها اصلاً دهقانان اجازه ندادند شورای قبلی از هم بپاشد. جهادی‌ها به بعضی دهها هم حملتبه آوردند و می‌خواستند افراد شوراها را بگیرند و ببرند اما موفق نشدند. به هر حال کلا شوراهای اسلامی که در ارتباط با "شورای مرکزی" درگنید هستند به جای شوراهای قبلی که بعد از جنگ فریب خورده بودند، قد علم کردند. اما عناصر مترقی و حامی دهقانان هم با حمایت و با فشاری دهقانان توانستند به شوراها راه پیدا کنند. آنها بهر حال سعی می‌کنند تا جاییکه بتوانند از منافع دهقانان حمایت کنند.

• ترکیب و ماهیت "شورای مرکزی" چگونه است؟

شورای مرکزی "قدرت اجرا بی‌ندارد و فقط رهنمود میدهد. این شورا با وجودیکه بکدهت نیست و عناصر مختلفی از حامیان و وابستگان فئودالها گرفته تا افراد معمولی در آن شرکت دارند اما تا بحال بصورت مستقیم و با غیر مستقیم بیشتر از فئودالها حمایت کرده است.

• نظر دهقانان نسبت به "شوراهای اسلامی" و "شورای مرکزی" چیست؟

بعد از جنگ تحمیلی دوم ستاد متلاشی شد و همراهمان خلق ترکمن را ترور کردند. بعد از هم این "اکثریت" مبارزات دهقانان را جلوی حاکمیت قربانی کرد. بطول نبودن مداوم و فعال نیروهای انقلابی و

توماج، مختوم، واحدی جرجانی، زمین و شورا

بفیه از صفحه ۶
ارباب ها و مالکین را برای مسا بازی می کنند. ما از این دولت که از دشمنان ما حمایت می کند رنجایت و دلخوشی نداریم، مسا نمی گذاریم که زحمات ما در جنگ، و خون رفقای شهیدمان توماج، مختوم، واحدی و جرجانی به هدر برود."
در همین اثنا برادر یکی از دهقانان به جمع می پیوندد، تازه از کار آمده، در گروه و زمین کاری کند و سنی از او گذشته، لحظه ای گوش فرا می دهد و وقتی متوجه میشود که صحبت بر سر چیست بیایلی جای را سر می کشد و با تمام وجود می گوید:



فدائی شهید رفیق جرجانی

"توماج، مختوم، واحدی و جرجانی مردم را زنده کردند. حق مردم را اینها گرفتند، خون های اینها که ریخته شده با پیدا داده داشته باشد. اگر برای خودشان بود، کشته نمی شدند، من از قبل اینها را می شناختم، کارمند بودند، واحدی قاضی دادگستری بود، اینها زندگی شان را برای ما گذاشتند و برای همین که از حق مردم دفاع کردند کشته شدند."
این مرد روستائی که مظهر یک دهقان آگاه و مبارز راست، هنگامی که نظراتش

"چند وقت پیش، گروه ضربت آمده بودند به روستای ما، و علیه توماج و مختوم و واحدی و جرجانی بدگوشی می کردند، و می گفتند که آنها کمونیست و ضد دین بودند، ما عصیان شدیم و به آنها گفتیم که شما حق ندارید درباره رفقای ما حرفی بزنید. آنها رهبران ما بودند، هر چه بودند زمین را از مالکان گرفتند و به ما دادند، ما را آگاه کردند، آنها از ما حمایت می کردند، و برای همین هم کشته شدند. وقتی که گروه ضربت ما دیدند ما اینطور حرف می زنیم دیگر چیزی نگفتند و رفتند."

راستی که چه ساده و عمیق بوده ها میان واقعی خود را می شناسند، و از آنها تجلیل می کنند. فدائیان خلق در قلب دهقانان، کارگران و همه زحمتکشان جای دارند. هر چند که بعد از جنگ تحمیلی دوم سایه غمگین و شوم خفقان و سرکوب از سوی جمهوری اسلامی و پاس از سوی فرصت طلبان و سازشکاران "کمیته مرکزی" ترخلی ترکمن و دشتیهای سبز ترکمن صحرا، گسترده شده است. اما کینه و نفرت نسبت به زمینداران بزرگ و دولت حامی آنها و همه سرکوبگران خلق از دل دشت می جوشد، و علی رغم متلاشی شدن ستاد و ترور رهبران خلق ترکمن توسط رژیم جمهوری اسلامی، اما به گفته ی دهقان مظلوم و ستمدیده ترکمن، "ستاد چهار دیواری بود"، "حالا هر خانه ستادی است."

را در باره رفقای شهید تمام کرد، سوز را پیش می آورد می پرسد: "در تهران چه خبر، مردم آنجا چه کار می کنند، مبارزه دارند... از کردستان چه خبر، وضعیت خوب است؟"
و در روستای دیگری چند دهقان درباره توماج و مختوم و واحدی و جرجانی با تعریف خاطرهای چنین می گفتند:

جنگ تحمیلی ترکمن صحرا و ...

بفیه از صفحه ۲
را از حاکمیت گدائی کنند چگونه چشم امید به رئیس جمهوری دوخته ملت ما نه میخواستند تا تلین رهبران خلق ترکمن را معرفی کنند!!

آری آنان که به توده ها اطمینان ندارند چاره ای جز خاکبوسی بدرگاه بورژوازی ندارند!

یکسال از جنگ تحمیلی و جنابیت بار علیه خلق قهرمان ترکمن میگردد. این یکسال برای خلق ترکمن مالی سخت و تجربه آموز بود. خلق ترکمن آموخت که مدعیان دروغین از ادبخواهی یعنی لیبرالها در سرکوب خلق، دست کمی از رهبران "مکتبی" حزب جمهوری اسلامی ندارند و این هر دو، دوروی یک سکه اند. آنها بروشنسی دریا فتند که لیبرالها بر رهبری بنی صدر هنگامیکه براریکه قدرت سوارند چه در کردستان، چه در ترکمن صحرا، چه در دامنشگاه و چه در... از سرکوب خلق باکی ندارند.

خلق ترکمن در یافت که چگونه اپورتونویستهای "کمیته مرکزی" علی رغم ادعاهایشان که میگفتند: "هر جا که خلق بجنگد ما در کنار او خواهیم جنگید" هنگامی که زما پیش خلق



نظارهات سراسری کردستان به اعتراض علیه سرکوب خلق ترکمن، دهم اسفند ۱۳۵۸

را تنها گذاشتند و در کردستان، ترکمن صحرا، و... بجای اتکاء به توده ها بودن در کنار توده ها با حاکمیت به "دادوستد" پرداختند. و از اینرو خلق ترکمن در می یابد که تنها با اتکاء به نیروی متشکل خود و پشتیبانی نیروی لایزال خلقهای سراسر ایران نور رهبری

پیشاهنگ انقلابی طبقه کارگر قرار خواهد بود. مبارزه برای تأمین زمین، آب و زندگی بهتر و بدست آوردن حقوق ملی را بجلوسوق داده و همراه با همه خلقهای ایران به پیروزی نهائی دست یابد.



در شهادت چهار قهرمان
سخنان مادر تو ماج برای خلق
ترکمن که باشنیدن خبر شهادت
چهار قهرمان "شورا" چون
سیل در صحرای ترکمن
می خروشیدند .
مادر مشت گره کرده با
شهامتی بی مانند فریاد
کشید
متحد شوید ،
"زبان خلق ، زبان
سپیل است"

ای خلق ما ، ترکمن ها ، فرزندان
قهرمان من تو ما پدر راه خلق شهید
شدو جانش را فدا کرد . قبلا نمی
دانستید ، حالا می دانید و با بدیدانید
در این راه بی گریباید و با استقامت
تمام پیش روید . این قهرمان ها
سنگر شما هستند . از شهادت این
قهرمان ها ، از آنچه بر ما گذشته است
از این وقایع تجربه ما می موزید و این
تازه اولین تجربه ها است . هنوز اول
کار است . اگر جدی و بی گریباید
سنگری که این چهار قهرمان بر پای
داشته اند در هم می شکنند .

ای خلق ما ، متحد شوید
بنی صدور و خمینی و علما و جلا برای
خلق ها بدبختی بی آوردند . راه فرزند
راه حقیقت بود . راهی برای تمام
شما . فرزندی سالها فدائی این
راه بود . فدائی این راه شد . اگر
نمی دانستید بدیدانید این راه را
بشناسید و از حق خود دفاع کنید .
زندگی شما در این راه است . در این
راه است که زنده می ماند و نجات
با هم نیا شد به هر روشی توید . دست
فرزندانتان را بگیرید و نگا ندارند
این راه باشد . پسر جانش را فدا
کرد . چهار قهرمان فدائی این راه
شدند . تو ما چیکار چه آرزو بود . برای
زحمتگشان کار کرد و بختی کشید . ای
ترکمن ها ، به راه تو ما پیروید . زندگی
زحمتگشان ترکمن ، یعنی کار و فدا
کاری . فداوارال ها درخت های بی ثمرند
پس متحد شوید و قدرت بگیرید . زبان ،
خلق ، زبان سپیل است . بگوئید
" زنده باد آنها " . گفته های
مرادقلبتان بگا رید و در سرستان
بپروید . من از شما دفاع می کنم .
من مادر تو ما چاهستم . من مبارک
خلق هستم . تو ماچ این افتخار را
بصاحب من کرد . ای ترکمن ها ،
برخیزید و دفاع کنید . نه از تو ماچ
از خلقتان دفاع کنید .

آزادیت این هدفها را پیش ببرد .
اگر دهقانان کمی سستی از خودشان به
خرج دهند زمینها را فوراً از دستشان
میگیرند . یا به فساد آنها میدهند و یا
به گنبد . این راهها بدیدانید
اگر هم تاکنون این شوراها به هر شکل
خودتوانسته اند سرپا بمانند از لطف
و مرحمت دولت نبوده ، بلکه فشار
و قدرت دهقانان این شوراها را هم سر
پا نگه داشته است . به طور کلی جنبش
دهقانی بدلیل حضور فعال و مستقیم
دهقانان با زهم رویه بالا گرفتن است
و با وجود افت و خیزهایی که دارد ولی به
جلوی می آید . حاکمیت و ایادیش در همه
جا کمین گرفته اند تا به هر ترتیب
می شود جنبش دهقانی را سرکوب کنند و
زمین ها را از دهقانان پس بگیرند .
شوراها را سرکوب کنند و همه چیز را در
تسلط خود در آورند . فقط حرکت
دهقانان است که جلوی قدرت کامل
حاکمیت را گرفته است .

گزارشی کوتاه از: بقیه از صفحہ ۹

با ساران ، و ایادی فتودالها عیسی
مراقبت می کنند ما هنوز شعاریهای
انقلابی و آرمانهای دین و دینوارها
هست . تمویز فکری شهید تو ماچ ، مقتوم ،
واحدی ، جرجانی بر در اکثر خانه های
روستایی و شهرست و این نشان دهنده
آنست که این رفقا هنوز زنده اند .
حاکمان دهقانان و آرمانهای آنان
همیشه زنده است ، اما ما هم با حرکت
کنیم و نگذاریم این شوردهقانان
بمیرد .

بحرکت عمومی جنبش دهقانی در منطقه
را چگونه ببینید ؟

دولت سعی دارد تمام شوراها را کما
در اختیار و تسلط خود بگیرد و بعداگر
قدرتش را داشت آنها را نابود کند .
دولت می خواهد با ایجا در عقب و وحشت ،

آ...ی توماج، توماج



آ...ی توماج ، توماج
گل عصیان زندان های شاه ، توماج
آ...ی توماج ، توماج

ماه روی جنگلهای "گلستان"
ماه در سینه رودخانه "گالیکش"
خنجر آخرا دانه ای خونین بود
ماه در آینه های موج می شکست
آ...ی توماج ، توماج
لاله توفانی دشت های خون ، توماج

چکمه پوشان درکانون فرهنگی ترکمن
می کشند
بوزه به خون بردگان دشورا هسا
می کشند
شک های خون بردیوهای گنبد میدرخشد
واو به های سرهنه دلورا نکوجنده پیرو
هنوز کلوله های یاساران
در سینه پرستاره شب می نشست

ودر کنارهای دوروزدیک
دلوران ترکمن را شکار می کرد
آ...ی توماج ، توماج
فرزند دلیر خلق ، توماج

ماه شکسته بهمن در ابر می گشت
ورودخانه جنگلی زمزمه ای دیگرگونه
داشت

دریای همه گریانا تورا می گفت
میا دان ترکمن نام تورا بربل داشتند
کشتکاران ترکمن نام تورا می خوانند
با دهای ترکمن صحرا نام تورا می بردند
مادران از خواب پرخون و غمگین
می بیدارند
و چشم پدران کنارفا نوس ها می درخشید
آ...ی توماج ، توماج
رزم آور میا دان و کشتگران ، توماج

"تا با ما" کنار پنجره آمد
و هراسان در شب آتش و کشتا رنگریست
همسرت گسور بیستان کرد
و در برابر دشت پر شعله و دودا بستاد
آنجا ، ما داری درگتود و بیکر به راه افکند
و چشم در چشم چکمه پوشان فریاد زد
مشت بر سینه کوفت و فریاد زد
"زنده با دشورا ، زنده با خلق"
و صدای درخشان در گلوله ها جا موش شد
آ...ی توماج ، توماج
فهرمان شوراها ، توماج

شاه رفیق زار هراسان به گلوله بست
فدائیان و مجاهدان را به گلوله بست
تپه های اوین ، تپه های اوین
آنروز زنده زنده شکست نا پذیر
بر تپه های اوین ایستادند
نه زنده ، خلق در برابر دشمن ایستادند
آتش رگبار جلادان کمانه بست
نه برنده ، سرخ انقلاب به خون نشست
دیروز بر تپه های اوین ، نه جزیره خون
و امروز بر دانه جنگلی ترکمن صحرا...
آ...ی توماج ، توماج
جزیره خون ترکمنی ، توماج

خلق ترکمن فریاد کشید
دشت های درو شده فریاد کشیدند
ستا دشورا های ترکمن صحرا
با دهان سوخته ، بنجره ها فریاد کشید
رودخانه های ترکمن صحرا فریاد کشیدند
آسمان ترکمن صحرا فریاد کشید
آ...ی توماج ، توماج

فریاد ترکمن صحرا ، توماج
شبان کنار رفیقان ایستاد
در برابر دشت و ستا دشورا
ستاره های ترکمنی در آسمان صحرا
می درخشیدند
و ماه ترکمنی در آینه رودخانه خنجر می
خونین بود

جانان آتش گشودند
و فریاد "زنده با خلق ، زنده با دشوراها"
در عطر خون پیچید
و چون ما عقده ای خونین
از بیورت شیخان تا "اینجه برون"
و از گمش تپه تا "شیخلر" آتش گرفت
نگاه کن ، نگاه کن
این دریای پرچم های سرخ
که بردست کودکان ترکمن صحرا بسته
گردش در آسوده است
خون دلوران ترکمن صحراست
عز صیادان و کشتگران است
خون زمین و شورا است
خون آواز خوان رفیقانست
خون آواز خوان توست ، توماج
آ...ی توماج ، توماج
داس خونین دهقانان ، توماج
تورخونین میادان ، توماج

اسفندماه پنجاه و هشت